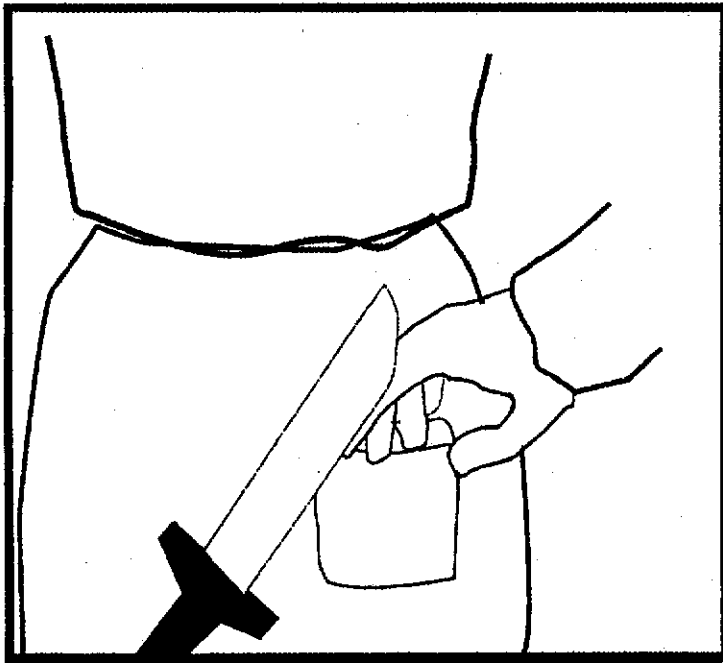


سرقت مستوجب حد

□ محمد رضا یزدانیان (قاضی دادگاه نظامی)

(قسمت اول)



باب اول

«کلیات»

الف» مقدمه : سرقت یکی از مهمترین و قدیمی ترین جرایم علیه اموال و مالکیت اشخاص است. این جرم به دلیل سهولت ارتکاب و حصول نتیجه در زمان کوتاه و تصرف فوری مال غیر و استفاده از ابزار و روشهای متعدد، بیشتر از سایر جرایم علیه اموال، توجه بزهکاران بخصوص مجرمین به عادت و حرفه ای را به خود جلب کرده است.

ربودن مال دیگران از دیرباز در جوامع بشری شیوع داشته و سارقین با توجه به گذشت زمان و پیشرفت علوم و فنون و صنعت و دستیابی بشر به تکنولوژی پیشرفته از اسباب و ابزار کاملتر و فنی تری بهره می گیرند. در مقابل، جامعه هم به سهم خود و به منظور حمایت از حق مالکیت افراد و با شناخت اقسام دزدیها و طبقات سارقین و شیوه های ارتکاب سرقت با به کارگیری نیروهای انسانی متبحر و زبده،

اعسم از مأمورین انتظامی و قضات و بهره گیری از علوم مختلف و تدوین قوانین جزائی مناسب به مبارزه با این پدیده مخرب ضداجتماعی می پردازد.

به همین دلیل در کشورهای مختلف پلیس از شگردهای مخصوص و متنوع و ابزارهای لازم برای شناسایی و دستگیری متجاوزین به اموال مردم استفاده می کند و در قوانین کیفری نیز معمولاً مجازاتهای سنگینی برای مرتکبین بزه مذکور، پیش بینی شده است. بنابراین، وجود عوامل متعددی از قبیل هوشمندی مأمورین کشف جرایم، دقت قضات در تعیین کیفر مؤثر و متناسب با طبقات سارقین و فعالیت جدی و مستمر مؤسسات تحقیقاتی و جرم شناسی در زمینه ریشه یابی و شناخت علل ارتکاب سرقت و اقدامات تأمینی و تربیتی جامعه نقش بسزایی در جلوگیری از وقوع جرم موصوف و تضمین آسایش و سلامت جامعه و حفاظت از حق مالکیت مردم

خواهد داشت.

در قوانین جزائی ایران، سرقت به دو نوع تقسیم می شود:

۱- سرقت مستوجب حد، ۲- سرقت تعزیری.

در این مقوله به لحاظ موضوع تحقیق، به بررسی و تجزیه و تحلیل «سرقت مستوجب حد» می پردازیم.

ب» تعریف سرقت:

۱- عنصر قانونی جرم.

ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، در مقام توصیف و تعریف قانونی عنوان مجرمانه سرقت اشعار می دارد:

«سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری بطور پنهانی»

۲- عنصر مادی جرم.

عنصر مادی جرم سرقت فعل مثبت خارجی ربودن است، وصف جزائی موصوف مستلزم فعلی از قبیل ربودن، کسر رفتن، قاپیدن و بلند کردن می باشد.

اساس پیدایش بزه سرقت را چهار رکن «ربودن»، «مال»، «دیگری» و «پنهانی» تشکیل می‌دهد که ذیلاً به شرح آنها می‌پردازیم:

«ربودن»

«ربودن» در لغت به معنای «دزدی، چیزی را با چابکی و تردستی از جایی بلند کردن و در بردن و جذب کردن آمده»^(۱) و در اصطلاح، به تصرف و اثبات و وضع ید غیرقانونی بر مال منقول دیگری با اخفای امر از مالک یا متصرف از قبل مالک و اخراج آن از سلطه صاحب مال می‌گویند. لازمه ربایش نقل مکان دادن مال از محلی به محل دیگر است؛ ربودن، عملی است متقلبانه و با سوءنیت که بدون رضایت متصرف یا صاحب مال با قصد مجرمانه صورت می‌گیرد. در کلیه جرایم علیه اموال، عدم رضایت مالک یا متصرف شرط تحقق جرم است.

در ربودن، باید نتیجه یعنی خارج شدن مال از حیطه و اقتدار مالکانه صاحب آن حاصل شود.

«مال»

موضوع جرم سرقت، مال دیگری است. «مال» در لغت به معنای «دارایی و آنچه در ملک شخص باشد»، آمده و در اصطلاح، «چیزی است که ارزش عقلایی - اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد»؛ لذا، چیزهایی مانند هوا یا حشرات یا غذای فاسد که عرفاً قابل مبادله با کالای با ارزش نمی‌باشند، مال محسوب نشده و ربودن آنها سرقت تلقی نمی‌شود.

سؤالی که در این اینجا مطرح می‌شود، این است که چه نوع مالی موضوع سرقت محسوب می‌شود؟

مال منقول و مالی که در اثر عمل انسان غیر منقول می‌شود و اموال در حکم غیر منقول مانند لوله، تیر آهن، درب و پنجره، ادوات زراعت و آیینیه قابل سرقت است ولی غیر منقول ذاتی - که نقل آن از محلی به محل دیگر امکان‌پذیر نیست - قابل سرقت نمی‌باشد. نکته دیگر قابل ذکر این است که

اطفال در صورت ارتکاب جرم،
میرا از مسؤلیت کیفری هستند
و تربیت آنان بسا نظر دادگناه
به عهده سرپرست اطفال و
عندالافتضاء، کانون اصلاح و
تربیت اطفال غنشی باشد

تنها عین مال، قابل ربودن است نه حقوق و منافع موجود در آن. اموالی که دارای ارزش معنوی یا عاطفی یا اهمیت دیگری باشد نیز می‌توانند موضوع سرقت قرار گیرند.

«تعلق به دیگری (مال دیگری)»:

یکی از شرایط تحقق جرم سرقت تعلق

«ربودن» در لغت به
معنای «دزدی، چیزی را با چابکی و
تردستی از جایی بلند کردن و
در بردن و جذب کردن آمده»

مال به غیر است. بنابراین، در صورتی که مال مسروقه متعلق به سارق باشد یا از زمره اموالی محسوب شود که از آن اعراض شده یا بلاصاحب است، نمی‌تواند موضوع جرم واقع شود. منظور از تعلق به دیگری، تعلق عین مال است لیکن اگر عین مال متعلق به رباینده باشد، مانند عین مستاجر یا عین مروهه سرقت مصداق ندارد، شناخته

شدن مالک تأثیری در پیدایش بزه ندارد. اما به لحاظ فقدان شرط شکایت صاحب مال از سارق، موضوع از سرقت مستوجب حد خارج می‌شود. «دیگری» اعم است از اشخاص حقیقی یا حقوقی که شامل حقوقی عمومی و حقوقی خصوصی می‌شود. ضمناً، کیفیات مؤثر در مسؤلیت کیفری رباینده، تأثیری در صاحب مال ندارد. لذا، سرقت اموال صغیر یا دیوانه با ربودن اموال عاقل و بالغ فرقی ندارد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، اینست که آیا ربودن مال مشاع سرقت می‌باشد یا خیر؟

در خصوص سرقت مال مشاع، دو نظریه وجود دارد:

نظر اول: چون شریک مالک جزء جزء مال مشاع می‌باشد پس اگر رباینده بیش از حصه خود و از سهم دیگران بردارد، چون مالک مازاد نیست، مال دیگری محسوب می‌شود و عمل وی سرقت است.

نظر دوم: چون رباینده در تمام مال مشاع شریک است و نمی‌توان گفت که چه قسمتی از مال تعلق به دیگری دارد، لذا بردن مال مشترک به معنای واقعی بردن مال غیر محسوب نمی‌شود و سرقت نمی‌باشد. حکم شماره ۱۲۲ - ۲۱/۷/۲۵ شعبه ششم دیوان عالی کشور مداخله احد از شرکاء در مال مشترک را سرقت نمی‌داند. سوال: آیا تصرف اموال گمشده، سرقت محسوب می‌شود یا خیر؟

در این مورد دو نظریه وجود دارد:

۱- سرقت است. باین استدلال که مالک از مال اعراض نکرده، بنابراین اگر کسی با سوءنیت و به قصد سرقت و تصاحب، اموال گمشده را تصرف

کند، عمل او مشمول عنوان کیفری سرقت می‌شود.

۲- اگر تصرف قبل از خارج شدن از حیظه مالکانه صاحب مال باشد، مانند پیدا کردن مال در منزل دیگری سرقت است؛ لیکن در صورتی که تصرف بعد از خارج شدن از سلطه مالکانه صاحب مال باشد، چون خارج کردن از اقتدار مالک

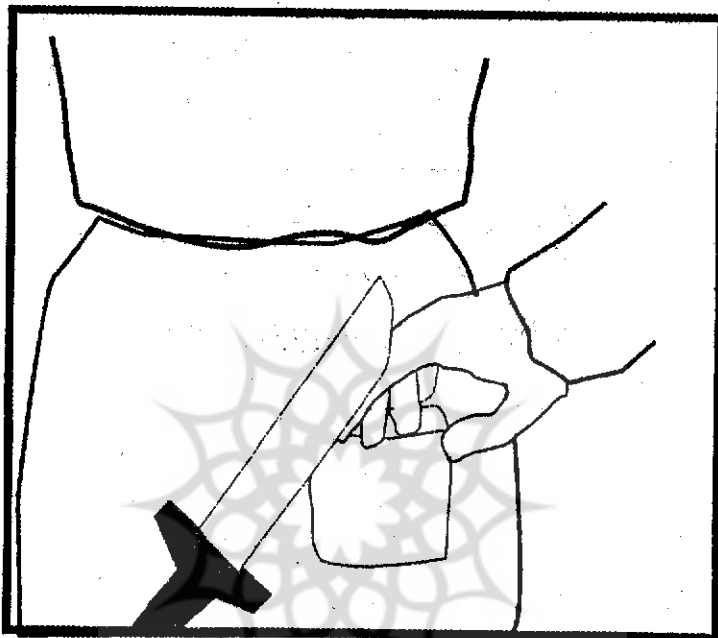
مستند به فعل مرتکب نمی‌باشد سرقت مصداق نداشته و ضمان مالی دارد.

«پنهانی»

در ماده ۲۱۵ قانون حدود و قصاص، مخفیانه بودن سرقت از جمله شرایط جاری شدن حد ذکر شده بود که این وصف از شرایط مصرّحه در ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی

حذف شده که به نظر می‌رسد حذف آن در جهت مطلوب نبوده، لیکن با توجه به ذکر خصوصیت مذکور در ماده ۱۹۷ (ق.م.ا.) پنهانی بودن عمل مرتکب از جمله شرایط سرقت مستوجب حد است. «پنهانی» در لغت به معنای «ناپیدا، پوشیده، مخفی و ضد آشکار» است. عده‌ای مخفیانه بودن را به معنای دور از انتظار عموم یا صاحب مال یا تصور سارق بر مخفیانه بودن عمل تعریف کرده‌اند و نظری دیگر، مخفیانه را به مفهوم متقلبانه می‌داند و این تعبیر را به منظور توجیه شرط موصوف در سرقت تعزیری ارائه می‌نماید.

تفسیر دیگری از پنهانی بودن ارتکاب عمل بدون آگاهی و رضایت صاحب مال بیان شده، در این مورد، رضایت صغیر غیر ممیز و مجنون به عنوان رضای ظاهری قابل خدشه و غیر نافذ قلمداد شده است. به نظر می‌رسد منظور از پنهانی بودن، اقدام به سرقت با شیوه مخفیانه و پنهانکاری است هر چند که به طور اتفاقی، صاحب مال



نامشروع بودن فعل ارتكابی شرط است. ربودن مال غیر باید به قصد سرقت باشد و سارق با علم و آگاهی به اینکه مال متعلق به دیگری است آن را بر باید، در این مورد، هم قصد عام (خواست انجام عمل) و هم قصد خاص (تحصیل نتیجه مجرمانه) لازم است. قصد بزهکاری در سرقت عبارت است از علم و آگاهی مرتکب به ربودن مال

دیگری برخلاف رضایت مالک و یا دارنده آن نیز به نیت تصاحب یا تملک یا تصرف مال. بنابراین، اگر کسی چیزی را به گمان اینکه متعلق به خودش بوده یا به اندازه حصه مشترک است یا به قصد استفاده موقت یا شوخی بردارد، چون وقوع مادی عمل توأم با سوء نیت نبوده، سرقت محسوب نمی‌شود.

باب دوم:

سرقت مستوجب حد

«فصل اول»

شرایط سرقت مستوجب حد: قانون حدود و قصاص، شرایط سرقت مستوجب حد را در سه قسمت شامل: شرایط سرقت، مال مسروقه، عمل سرقت ذکر کرده بود که در بعضی از موارد تداخل نیز وجود داشت لیکن در قانون لاحق (مجازات اسلامی) تفکیک شرایط رعایت نشده و خصوصیات سرقت مستوجب حد، به طور کلی در یک ماده شانزده بند و چهار تبصره احصاء شده است. اشکالی بر تدوین و تنظیم شرایط مذکور وارد است، اینست که در ماده ۱۹۸ (ق.م.ا.) شرایطی که موجب

یادگیران ناظر بر ربودن باشند و شهادت دو مرد عادل - که یکی از ادله اثباتی جرم مزبور به عنوان یک قرینه می‌باشد - مؤید این نظر است. به عنوان مثال، سرقت فروشگاه در روز روشن مخفیانه نیست هر چند که به طور اتفاقی کسی در فروشگاه نباشد یا برعکس، سرقت با قهر و غلبه و آشکار را مستوجب حد نمی‌دانند. در قوانین موضوعه نیز در صورتی که سرقت فاقد شرایط حد باشد، مجازات تعزیری در نظر گرفته شده است.

۳) عنصر معنوی جرم

برای تحقق بزه سرقت، سوء نیت و قصد مجرمانه یعنی معرفت فاعل به

سرقت مستوجب حد

سال چهارم، شماره نوزدهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹

زوال مسؤولیت کیفری سارق می شود و صفاتی که صرفاً موجب سقوط مجازات حسد می گردد، از یکدیگر تفکیک نشده است. به عبارت دیگر، علل رافع مسؤولیت کیفری سارق مانند: بلوغ، عقل، اجبار، اکراه، اضطرار، قصد، شبهه موضوعیه و حکمیه از کیفیات و جهات معافیت از مجازات حد مانند پدر صاحب مال بودن، مباشرت در هتک حرز، نصاب مال مسروقه، ربودن اموال دولتی و قرار داشتن در حرز متمایز نشده است. همه شرایطی که در ماده فوق الذکر بیان گردیده، مختص به سرقت مستوجب حد نیست و شماری از آنها از قبیل: اجبار، اکراه، عقل، بلوغ و اضطرار عام و کلی هستند و از موجبات رفع مسؤولیت کیفری در کلیه جرایم محسوب می شوند؛ در نتیجه، صفات عمومی و کلی رافع مسؤولیت جزائی نه تنها موجب سقوط حد می شوند بلکه وجود این شرایط، کیفر تعزیر را نیز سلب می نماید؛ مگر در موارد خاص و استثنائی و منصوص در قانون (مانند تأدیب اطفال و مجانین بنا به مصلحت و در حد ضرورت و به شرط تأثیر)^(۲) در خصوصیات مصرّحه در قانون مجازات اسلامی، تغییرات اندکی با قانون سابق دارد که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

۱) سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد:

بلوغ از شرایط عامه مسؤولیت کیفری است و در مورد کلیه جرایم مصداق دارد. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر؛ نه سال تمام قمری است.^(۳) وفق مقررات ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، اطفال در صورت ارتکاب جرم،

میرا از مسؤولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء، کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد. تبصره یک ماده مزبور، طفل را کسی دانسته که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد ولی سن خاصی را به عنوان اماره رشد تعیین نکرده است. با عنایت به اینکه

لازمه ربایش نقل ممکن دادن مال از محلی به محل دیگر است؛ رسیدن، غسلی است متقلبانه و با سوءنیت که بدون رضایت متصرف یا صاحب مال یا قصد مجرمانه صورت می گیرد.

راههای متفاوتی جهت احراز بلوغ و رشد وجود دارد، و نیز در مورد حقوق مالی وفق مقررات تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی؛ احراز رشد نابالغ جهت صلاحیت اداره اموال و حقوق مالی لازم است، بنابراین

در کلیه جرایم علیه اموال، عدم رضایت مالک یا متصرف شرط نیست؛ تحقق حسرت است.

شایسته است که مقنن در امور کیفری سن خاصی را به عنوان سن رشد تعیین کند. عقیده مشهور فقها در مورد صغیر ممیز این است که در صورت ارتکاب سرقت تأدیب شود، هر چند که تکرار گردد. لیکن برخی از فقها معتقدند که حد سرقت در مورد صغیر ممیز در صورت تکرار سرقت برای مرتبه پنجم اجرا می شود و در خصوص مراحل قبل از آن نیز مجازاتهای خفیف تری در نظر گرفته شده است.

عدم مسؤولیت کیفری اطفال در ضمن روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته که از جمله روایات رفع القلم می باشد. قانون مجازات اسلامی به پیروی از نظر مشهور فقها برای تربیت اطفال بزهکار در صورت ضرورت تأدیب در نظر گرفته که باید به میزان و مصلحت باشد.^(۴) ولی در مورد اتلاف مال خود طفل ضامن است.^(۵)

۲) سارق در حال سرقت عاقل باشد:

قوه تمییز و ادراک و شعور و عقل یکی از شرایط تحمیل مسؤولیت جزائی است که فقدان آن از علل رافع مسؤولیت کیفری در کلیه جرایم است. این قاعده کلی در مورد سرقت نیز جاری بوده و نه تنها اختلال در مشاعر و قوه تمییز موجب سقوط حد شرعی می شود بلکه به استناد ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی، جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد، رافع مسؤولیت کیفری است و در صورتی که تأدیب مرتکب مؤثر باشد به حکم دادگاه تأدیب می شود و در مورد جنون ادواری؛ شرط رفع مسؤولیت کیفری، جنون در حین ارتکاب جرم است. در شرایط سرقت مستوجب حد بلوغ، عقل، اراده و قصد و آگاهی مرتکب با عنصر معنوی جرم ارتباط دارد. با عنایت به اینکه برخوردار از قوه تمییز و شعور در حال سرقت، ملاک جاری شدن حد است لذا، جنون بعد از ارتکاب جرم، موجب سقوط نمی گردد. ادامه دارد...

پی نوشتها:

۱- فرهنگ عمید

۲- تبصره ۲ ماده ۴۹ و تبصره (۱) ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی.

۳- تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی.

۴- تبصره ۲ ماده ۴۹

۵- (ماده ۵۰ همین قانون).